

سلام

چراغ سبیز

آشنایی

■ اشاره

در میان هر ملت و جمعیتی در هنگام برخورد با یکدیگر الفاظ و آدابی برای اظهار محبت و دوستی وجود دارد. در شریعت اسلام که کاملترین دین الهی است نیز برای جلب محبت و ایجاد رابطه دوستی و برادری در جامعه اسلامی دستورات مفید و مؤثری داده است و از آن جمله «سلام» کردن است. در این شریعت انسان ساز مستحب که در برخورد دو فرد مسلمان، یکی به دیگری سلام کند، یعنی بگوید: «سلام علیکم»، سلامتی و امنیت بر شما، طرف مقابل در پاسخ این ابراز محبت بگوید: «سلام علیکم» البته بهتر آن است که در جواب اضافه نموده و رحمت و برکات خداوندی را برای سلام کننده خواستار گردد. چنان که قرآن کریم بر این شیوه تأکید نموده است^(۱) در این کتاب آسمانی که کاملترین کتاب تربیتی و اخلاقی است و جامع هدفها و روشهای تربیتی در ابعاد فردی و اجتماعی را دربردارد، درباره این خصلت پسندیده دستورالعملهای اخلاقی بسیار ارزنده‌ای دارد. از این رو، در این نوشتار مختصر برآنیم تا با مطالعه در آیات روح بخش قرآن کریم و روایات اسلامی، جایگاه و اهمیت این سنت

پسندیده اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم.

■ مفهوم سلام

«سلام» در لغت به معانی گوناگونی آمده است: به معنای تحیت، سلامت، صلح و آشتی، تعظیم و تکریم، و به معنای درود گفتن و تهنیت به زبان آوردن هم به کار رفته است^(۲) چنان که در آیه شریفه: «وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اَتٰخِ الْهُدٰی»^(۳) به معنای تحیت است.

سلام، اطمینان دادن به فرد مقابل است که: هم سلامتی و تندرستی تو را خواستارم، هم از جانب من آسوده باش و مطمئن، که گزندی به تو نخواهد رسید. من خیرخواه تو هستم، نه بدخواه و کینه‌ورز و دشمن. نیز نوعی درود و تحیت اسلامی است که دو مسلمان به هم می‌گویند.

معنی «سلام علیکم» در اصل «سلام الله علیکم» است، یعنی درود پروردگار بر تو باد، یاد خداوند تو را به سلامت دارد، و در امن و امان باشی؛ به همین جهت سلام کردن یک نوع اعلام دوستی و صلح و ترک دشمنی و جنگ محسوب می‌شود. این معنای شعار اسلامی سلام است.

کلمه «سلام» از مقدس‌ترین کلمات

است. از پیامبر اسلام(ص) نقل شده است که: «السلام اسم من اسماء الله وضعه الله فی الارض. فأقشوه بینکم»^(۴) سلام نامی از نامهای خداست، آن را در زمین به نمانت نهاده است، پس سلام را در میان خودتان فاش کنید.

■ پیشینه سلام

سلام و تحیت، از اموری نیستند که پس از ظهور اسلام حادث شده باشد، بلکه مصادیق مختلف آن در میان اقوام و ملل پیش از اسلام نیز سابقه دارد؛ در آیات مختلف قرآن کریم تغییراتی وجود دارد که نشانگر وجود این سنت در ملل گذشته دارد. از جمله آنها: در سوره «ذاریات» در داستان حضرت ابراهیم(ع) آمده است: «هل اتاک حدیث ضیف ابراهیم المکرمین» آیا خبر مهمانهای بزرگوار (فرشتگان مأمور مجازات قوم لوط) ابراهیم به تو رسیده است؟! «اذ دخلوا علیه، فقاتلوا سلاماً. قال سلام قوم منکرون» در آن زمان بر او وارد شدند و گفتند: «سلام بر تو!» او گفت: «سلام بر شما که جمعیت ناشناخته‌اید!»

و «السَّلَامُ عَلٰی یَوْمٍ وُلِدْتُ وَ یَوْمٍ اَمُوتُ وَ یَوْمٍ اُبْعَثُ حَیًّا»^(۵) و سلام خدا بر من، در

آن روز که متولد شدم، و در آن روز که می‌میرم، و آن روز که زنده برانگیخته خواهم شد.

این آیات نشانگر آن است که در زمان حضرت ابراهیم و حضرت عیسی(ع) تحیت و سلام وجود داشته است. از اشعار عرب جاهلی نیز استفاده می‌شود که تحیت به وسیله سلام در آن ایام بوده است.^(۴) همچنین حکایت شده:

«روزی یکی از اعراب جاهلی جهت شنیدن آیات قرآن کریم به حضور پیامبر اکرم(ص) رسید و در ابتدای سخن برای تحیت چنین گفت: «انعم صباحاً» که حضرت در جواب فرمود: خدای من تحیت بهتر از این فرستاده و آن این است که بگویم «سلام علیکم».^(۵)

و نیز در تاریخ، آداب و رسوم مختلفی از ملل پیشین نقل شده است که شریعت اسلام در بسیاری از موارد برخی از آن عادات و رسوم را نیک و پسندیده بود، امضاء نموده است که نمونه‌هایی از آن مانند حج و ... را مورد پذیرش قرار داده است و سپس برخی اصلاحات و تغییرات در آن سنن و آداب انجام داده است و مواردی که کاستیهایی در آنها وجود داشته است را جبران نموده است. سنت پسندیده «سلام و تحیت» هنگام دیدار، ورود به خانه و آغاز به سخن گفتن، نیز از مواردی است که شریعت مقدس اسلام آن را تأیید نموده و دستورات خاصی نیز برای آن وضع نموده است.

جایگاه سلام در آیات و روایات

واژه «سلام» بیش از ۴۰ بار در قرآن کریم بکار رفته است؛ گاهی خداوند خود، بر بندگان برگزیده‌اش، یعنی انبیاء(ع) سلام می‌فرستد «سَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ».^(۸) و «قَبْلِ یَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَ بَرَکَاتٍ عَلَیْکَ...»^(۹) و «سَلَامٌ عَلَی مُوسَى وَ هَارُونَ»^(۱۰) سلام خود پاداشی برای بندگان صالح است. از رشدیافتگان و راهیان بهشت با «سلام و تحیت» استقبال می‌شود.

«و عباده الرحمن... اولئک یجزون الغرفه بما صبروا و یلقون فیها تحیة و سلاماً»^(۱۱) آنها (عباده الرحمن) هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیباییشان به آنان پاداش داده می‌شود. و در آن با تحیت و سلام روبه‌رو می‌شوند.

و از همه بالاتر خداوند به آنها سلام و تحیت می‌گوید، چنان‌که در آیه ۵۸ سوره «یس» می‌فرماید: «سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِیمٍ» برای آنها سلامی است از سوی پروردگار رحیم و در آیه ۲۳ و ۲۴ سوره «یونس» می‌فرماید: «و الملائکة یدخلون علیهم من کل باب سلام علیکم» فرشتگان از هر دری بر آنها وارد می‌شوند و به آنها می‌گویند، سلام بر شما.

در این که معنای «تحیت» و «سلام» در اینجا یکسان است یا تفاوت دارد؟ در میان مفسران اختلاف است، ولی با توجه به این که تحیت در اصل به معنی دعا برای زندگی و حیات دیگری است، و سلام از ماده سلامت است، و به معنی دعا برای کسی است، بنابراین چنین نتیجه می‌گیریم که واژه «تحیت» به عنوان درخواست حیات است و واژه «سلام» برای توأم بودن این حیات با سلامت است، هر چند گاهی ممکن است این دو کلمه به یک معنی بیاید. البته تحیت در عرف معنی وسیعتری پیدا کرده و آن هرگونه سخنی است که در آغاز ورود به کسی می‌گویند و مایه خوشحالی و احترام و اظهار محبت نسبت به او می‌باشد.

فرشتگان هنگام دخول اهل بهشت آنها را با سلام و تحیت داخل می‌نمایند: «أَدْخُلُوها بِسَلَامٍ ذَٰلِکَ یَوْمَ الْخُلُودِ»^(۱۲) و «إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی جَنَّاتٍ وَ عِوْنٍ. أَدْخُلُوها بِسَلَامٍ أَمِینٍ»^(۱۳)

همچنین تحیت اهل بهشت نیز سلام است و شکر الهی «دَعْوِیَهُمْ فِیْهَا سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَ تَحِیَّتُهُمْ فِیْهَا سَلَامٌ وَ آخِرُ دَعْوِیَهُمْ أَنْ یَقُولُ لَهُ رَبِّ الْعَالَمِینَ»^(۱۴)

همچنین یکی از نامهای بهشت نیز دارالسلام است «وَاللَّوْءُ یَدْعُوها إِلَى دَارِ السَّلَامِ...»^(۱۵)

افزون بر آیات فراوانی که درباره تحیت و سلام وجود دارد، در منابع روایی اصیل اسلام نیز احادیث فراوانی وارد شده است که به ذکر چند روایت بسنده خواهیم کرد.

دین اسلام یک دین اجتماعی است، ضمن این که دستورهای فردی زیادی نیز قرار داده است؛ نماز جماعت، حج، زکات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و... دستورهای اجتماعی اسلام هستند. جعل

این‌گونه قوانین توسط شارع در قبال اجتماع بیانگر اهمیت او به اجتماع و تشویق توده مردم به حضور در جامعه اسلامی است.

سلام کردن و برخورد خوب، یکی از درهای مهم در برقراری روابط اجتماعی سالم است که این همه مورد تأکید دین مبین اسلام قرار گرفته است.

سلام در ایجاد رابطه دوستی و محبت و تقویت روح تعاون و همکاری و همدلی بین مسلمانان نقش قابل توجهی دارد. اسلام تأکید زیادی بر روی حب و بغض دارد و از صفات مؤمنین، حبّ به مؤمن و بغض نسبت به دشمنان اسلام است.^(۱۶)

سلام، خود هدیه و صدقه نیکی است، پیامبر اسلام(ص) درباره فرمود: «من الصدقة أن تسلّم علی الناس و انت طلق الوجه»^(۱۷) از جمله صدقه، این است که به مردم سلام کنی و همواره گشاده‌رو باشی.

هرگز شایسته نیست از سلام کردن که خود بذرافشانی مهر و محبت و دوستی است مضایقه کنیم. به فرموده امام صادق(ع): «الْبَخِيلُ مَنْ یَبْخُلُ بِالسَّلَامِ»^(۱۸) بخیل، کسی است که از سلام دادن به دیگری بخل ورزد. آری، برآستی سلام دادن به دیگری نه تنها چیزی از قدر و جایگاه انسان نمی‌کاهد و هیچ ضرر و زیان مادی، آبرویی و... ندارد، بلکه محبت‌آور و صفابخش است و حدیثی است و سیره رسول خدا(ص) و روش و منش اولیاء الهی است. به علاوه، نشانه‌ای از تواضع و فروتنی و نداشتن کبر است. انسانهای متواضع، نه تنها زیان نمی‌بندند، بلکه عزت و محبوبیت هم پیدا می‌کنند.

امام صادق(ع) در روایت دیگری فرمود: «مِنَ التَّوَّاضِعِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَی مَنْ لَقِیتَ»^(۱۹) از نشانه‌های فروتنی این است که به هر کس برخوردی، سلام دهی.

سلام روزنه رحمت و مغفرت خداوند است: «ان من موجبات المغفرة بذل السلام و حسن الکلام» بشارتی است از رسول حق(ص) که از موجبات رحمت و آمرزش الهی، ادای سلام و نیکی کلام است.

از دلایل اهمیت سلام کردن، جواز ردّ سلام در نماز، بلکه با شرائطی و جوب آن است؛ تکلم نمودن در نماز و لو این که کلام دو حرف باشد، موجب بطلان نماز است، و

لی در مورد جواب سلام استثناء شده است. در کتاب شریف «عروة الوثقی»، وجوب ردّ سلام در نماز را لازم می‌دانند و آن را از واجبات کفائی می‌شمرند.

■ ادب و آداب سلام الف) ابتداء به سلام

آغاز کردن به سلام در برخورد با برادران ایمانی، یکی از عوامل نیرومند جلب محبت است. در روایات اسلامی تأکید فراوان بر شیوه پسندیده (ابتداء به سلام) شده، تا آنجا که در منابع روایی وارد شده که: اگر کسی پیش از سلام، شروع به سخن کرد، جواب ندهید؛ چنان که امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمود: «مَنْ بَدَأَ بِالْكَلَامِ، قَبْلَ السَّلَامِ فَلَا تُجِيبُوهُ»^(۳۰)

همچنین آن حضرت در روایتی دیگر از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که آن حضرت (ص) فرمود: «أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ مَنْ بَدَأَ بِالسَّلَامِ»^(۳۱) نزدیکترین و مقربترین مردم به خدا و رسولش کسی است که ابتداء به سلام نماید.

امام سجاد (ع) فرمود: «از اخلاق مؤمن، اتفاق به قدر قدرت، و سعت در معیشت به اندازه توانایی مالی، به عدالت رفتار کردن با مردم و ابتداء به سلام است.»^(۳۲)

در روایات آمده که «سواره» بر «پیاده»، و آنها که مرکب گرانقیمت‌تری دارند، به کسانی که مرکب ارزاتر دارند، سلام کنند، و گویا این دستور یک نوع مبارزه با تکبر ناشی از ثروت و موقعیتهای خاص مادی است، در حالی که در این عصر فراصنعتی می‌بینیم که تحیت و سلام را وظیفه افراد پائین‌تر می‌دانند و شکلی از استعمار و استعباد و بت‌پرستی به آن می‌دهند. و این بیانگر دور شدن از اخلاق اسلامی است.

از رفتارهای بسیار درخور توجه پیامبر اکرم (ص) و پیشوایان معصوم (ع) تقدم در سلام (ابتداء به سلام) بود؛ آن بزرگواران به همه، حتی به کودکان و نوجوانان سلام می‌کردند. البته ناگفته نماند، این سخن منافات با دستوری که در بعضی از روایات وارد شده که افراد کوچکتر از نظر سن، بر بزرگتر سلام کنند ندارد؛ زیرا این یک نوع ادب و تواضع انسانی است و ارتباطی با

مسئله اختلاف طبقاتی و تفاوت در ثروت و موقعیتهای مادی ندارد.

تقدم در سلام کردن نه تنها به عنوان یک رفتار نیکو مورد توجه بوده، نشان دهنده رشد شخصیت، فروتنی و نفی کبر و غرور و منش جاهلانه است، بلکه خود سرمشق خوبی برای تمرین مهارت‌های کلامی و اخلاقی است. روشن است توقع «سلام» از دیگران هرگز نمی‌تواند از اخلاق پسندیده اجتماعی باشد. بنابراین، به جای آن که از دیگران انتظار سلام داشته باشیم، شایسته‌تر این است که خود با تأسی از اولیای معصوم الهی همیشه با چهره‌ای گشاده و متبسم، در سلام کردن از دیگران پیشی بگیریم و این سبقت در خیرات است.

ب) کیفیت سلام

در شریعت مقدس اسلام به برخورد صحیح و نیکو بسیار تأکید شده است و یک نوع تحیت خاص که همان استفاده از کلمه «سلام» است، مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است. در میان جوامع مختلف از الفاظ یا رفتارهای مختلفی برای این منظور استفاده می‌شود، اما شارع مقدس کلمه سلام را به عنوان تنها کلمه‌ای که احکام خاصی را به دنبال خود دارد، قرار داده است. گویا بدین وسیله قصد داشته است که مسلمانان در برخوردهای خود نیز دارای وحدت و نشانه باشند تا از غیر مسلمانان شناخته شوند. و از این رو، اگر به لفظی غیر از سلام برای تحیت استفاده شود، مثلاً گفته شود: «صَبِّحَكَ اللَّهُ بِالْخَيْرِ» یا «مَسَاكُ اللَّهُ بِالْخَيْرِ» جواب آن واجب نیست، و فقط در صورتی واجب است که به لفظ «سلام» باشد.^(۳۳)

و همچنین فقهای عظام «سلام» را در نماز واجب می‌دانند، اما در هرگونه تحیتی غیر از سلام را واجب ندانسته، بلکه آن را مبطل نماز می‌شمارند.^(۳۴)

ج) جواب سلام

سلام را باید آشکارا، بلند و با صدای رسا ادا کرد. احادیث فراوانی با عنوان «الْجَهْرُ بِالسَّلَامِ» و «افشاء سلام» آمده که سفارش اکید دارد که سلامها، رسا و بلند باشد، نه زیر لب و آهسته و نامفهوم و ناقص. جواب سلام نیز باید همین گونه باشد، یعنی بلند و

واضح، تا گوینده بشنود.

اگر در برخورد با دیگران یا ورود به جلسه و جمعی، یا رسیدن به خانه و محل کار، سلام بگوییم، ولی آهسته، شاید سلامان را نشنوند. با این که ما سلام داده‌ایم، ولی به دلیل سر و صدا یا عدم تمرکز حواس یا هر عامل دیگر، سلامان را نشنوند، احياناً در این صورت ما را بی‌ادب و بی‌اعتنا خواهند شمرد و متکبر خواهند پنداشت. یا اگر سلام فردی را جواب دهیم، اما آهسته و زیر لب، به گونه‌ای که نفهمد و نشنود، ممکن است فکر کند مسئله‌ای، خصومتی و ... رخ داده، یا ما سرسگین و متکبر شده‌ایم که حتی جواب سلامش را هم نمی‌دهیم یا با دشواری و بی‌علاقگی جواب می‌دهیم. راه جلوگیری از این سوء تفاهمها و

بدگمانی‌ها، رعایت همان دستور دینی در معاشرت‌ها است، یعنی آشکارا سلام کردن.

امام صادق (ع) می‌فرماید: هرگاه یکی از شما سلام می‌دهد، سلامش را آشکارا بگوید. نگوید که «سلام دادم، ولی جوابم ندادند»، شاید سلام داده ولی آنان نشنیده باشند! و هرگاه یکی از شما جواب سلام می‌دهد، جواب را آشکارا و بلند بگوید، تا آن مسلمان دیگر نگوید که «سلام کردم، ولی جوابم را ندادند!»^(۳۵)

اگر سلام مستحب است، جوابش واجب است. چنان که در روایت آمده است: «السلام تطوع و الرد فریضه»^(۳۶) سلام مستحب است، ولی جواب آن واجب است. البته بیشترین ثواب نیز از آن کسی است که شروع به سلام کند.

همان‌گونه که گذشت، سلام نوعی تحیت و هدیه از سوی یک مؤمن است و هدیه را باید با پاسخی بهتر ارائه داد. تا نشان قدرشناسی باشد. چنان که قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«وَ إِذَا حُيِّمَ بِحَيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا»^(۳۷) هنگامی که کسی به شما تحیت گوید، پاسخ آن را به طور بهتر دهید یا (حداقل) به همان گونه (مساوی) پاسخ گوئید. خداوند حساب همه چیز را دارد.

واژه «تحیت» در لغت از ماده حیات و به معنی دعا برای حیات دیگری کردن است

خواه این دعا به صورت «سلام علیک»، خداوند تو را به سلامت دارد و یا «حیای الله»، خداوند تو را زنده بدارد و یا مانند آن باشد. ولی معمولاً از این کلمه هر نوع اظهار محبتی را که افراد به وسیله سخن، با یکدیگر می‌کنند شامل می‌شود که روشنترین مصداق آن همان موضوع «سلام کردن» است. اما، از برخی از روایات، همچنین تفاسیر، استفاده می‌شود که اظهار محبت‌های عملی نیز در مفهوم «تحیت» داخل است. در تفسیر علی بن ابراهیم از امام باقر و امام صادق (ع) چنین نقل شده که: «المراد بالتحية في الآيه، السلام وغيره من البر» منظور از تحیت در آیه، سلام و هرگونه نیکی کردن است. و نیز در روایتی در کتاب «مناقب» چنین آمده است: «کنیزی یک شاخه گل خدمت امام حسن (ع) هدیه کرد، حضرت در مقابل آن وی را آزاد ساخت، و هنگامی که از علت این کار سوال کردند، فرمود: خداوند این ادب را به ما آموخته آنجا که می‌فرماید: «و اذا حیتم بتحية فحيوا باحسن منها» و سپس اضافه فرمود: تحیت بهتر، همان آزاد کردن او است! و به این ترتیب این آیه یک حکم کلی درباره پاسخ گویی به هر نوع اظهار محبتی اعم از لفظی و عملی می‌باشد.^(۳۸)

در روایات اسلامی در این باره (جواب سلام) آمده است که منظور از تحیت به احسن آن است که سلام را باید با عبارات دیگری مانند «و رحمة الله» و مانند «و رحمة الله و برکاته» پاسخ داد.^(۳۹)

در تفسیر «درالمستور» آمده است: شخصی به پیامبر اکرم (ص) عرض کرد: «السلام علیک پیامبر (ص) فرمود: «السلام علیک و رحمة الله»، دیگری عرض کرد: «السلام علیک و رحمة الله»، پیامبر (ص) فرمود: «و علیک السلام و رحمة الله و برکاته»، شخص دیگری گفت: «السلام علیک و رحمة الله و برکاته» پیامبر (ص) فرمود: «و علیک»، هنگامی که سوال کرد که چرا جواب مرا کوتاه بیان کردید؟ فرمود: قرآن می‌گوید: تحیت را به طرز نیکوتری پاسخ گوئید، اما تو چیزی باقی نگذاشتی! در حقیقت پیامبر (ص) در مورد شخص اول و دوم تحیت به نحو احسن گفت، اما در مورد شخص سوم به مساوی؛

زیرا جمله «علیک» مفهومی این است که تمام آنچه گفتی، بر تو نیز باشد.^(۴۰)

(د) افشاء سلام
در روایات، آداب فراوانی درباره سلام کردن وارد شده است از جمله این که: سلام تنها مخصوص افرادی نیست که انسان با آنها آشنایی خاصی دارد، چنان که روایت شده که از پیامبر اکرم (ص) سوال شد: ای العمل خیر؟ کدام عمل بهتر است؟ حضرت فرمود: «اطعام طعام کن و سلام به کسانی که می‌شناسی و نمی‌شناسی بنما.»^(۴۱)

همچنین فرمود: «افشوا السلام بینکم تحابوا»، سلام را در میان خود آشکار کنید، تا رشته محبت و دوستی استوار شود. و نیز امام باقر (ع) فرمود: «ان الله يحب افشاء السلام»^(۴۲) به درستی که خداوند آشکار کردن سلام را دوست دارد. منظور از افشای سلام، سلام کردن به افراد مختلف است.

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «ملکی به مردی برخورد کرد در خانه‌ای ایستاده است. از وی پرسید: چرا اینجا ایستاده‌ای؟ گفت: برادر دینی‌ام در این خانه است که می‌خواهم به سلام کنم. ملک گفت: آیا بین تو با او خویشاوندی است، یا کاری داری؟ گفت: نه؛ نه قرابتی با او دارم و نه حاجتی به او دارم و جز برادری اسلامی و رعایت احترام حقوق برادری، چیز دیگری نیست. من به او سلام می‌کنم و برای خدا با وی تجدید عهد می‌نمایم.»^(۴۳)

■ آداب فقهی سلام کردن

«جایز نیست ابتدا به سلام برای شخص نمازگزار و همچنین جایز نیست ابتدا به سایر تحیات مثل صبحک الله بالخیر یا مساک الله بالخیر و غیر اینها.»^(۴۴)

«واجب است سلام در اثناء نماز به تقدیم کلمه سلام بر ظرف علیکم، علیک و... اگرچه شخص سلام دهنده ظرف (چار و مجرور) را بر کلمه سلام مقدم نماید؛ و احتیاط مستحب این است که در تعریف و تکره آوردن شخص نمازگزار مراعات مماثله را بنماید و همانند شخص سلام دهنده جواب دهد و همچنین در جمع و مفرد آوردن.»^(۴۵)

ردّ سلام واجب کفایی است، پس اگر به جماعتی سلام کنند و یکی از آنها جواب

دهد، کافی است. اما بر بقیه مستحب است جواب دهند.^(۴۶)

اگر یک نفر از جماعت جواب دهد، و آن شخص کودک باشد، کفایت نمی‌نماید.^(۴۷)

اگر شخص نمازگزار در بین جماعتی باشد که بر آنها سلام کنند و شخص نمازگزار شک کند که او نیز قصد شده است یا نه، جواب دادن او جایز نیست.^(۴۸)

واجب است جواب را به گونه‌ای دهند که شخص سلام‌کننده بشنود خواه در نماز باشد یا غیر آن، به این صورت که صدای خود را به اندازه متعارف بلند نماید؛ به گونه‌ای که اثر مانعی نباشد، صدای او شنیده شود و اگر شخص سلام‌دهنده خیلی دور باشد که امکان شنیدن صدا را نداشته باشد، جواب واجب نیست.^(۴۹)

جواب سلام واجب است فوراً به صور عرفی داده شود و تأخیر آن جایز نیست، و اگر به تأخیر انداخت و جواب ساقط می‌شود.^(۵۰)

جایز است سلام مرد نامحرم به زن نامحرم و بالعکس مشروط بر این که با ریه یا خوف فتنه نباشد.^(۵۱)

از امام علی (ع) روایت شده است: «که آن حضرت بر زنان سلام می‌کرد، ولی کراهت داشت که بر زنان جوان سلام ننماید. و می‌فرمود: نگران هستم از این که از صدای آنها تعجب نمایم و این کار ضررش برای من بیش از نواب آن باشد.»^(۵۲)

الصالحين. السلام عليكم ورحمة الله و
برکاته؛ سلام و رحمت خدا بر نبی حق
(ص) باد. سلام بر ما و بر بندگان صالح خدا.
سلام و رحمت و برکات خدا بر شما.»
«ان الله و ملائکته یصلون علی النبی،
یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا
تسلیماً»

■ ■

پی نوشتها:

۱. سوره نساء، آیه ۶۴
۲. محمد مبین، فرهنگ مبین
۳. سوره طه، آیه ۲۷
۴. نهج الفصاحه
۵. سوره مريم، آیه ۳۳
۶. تفسیر نمونه، ج ۴ ص ۴۴
۷. رک: حفر سبحانی، فراهانی از تاریخ اسلام
۸. سوره صافات، آیه ۱۸۱
۹. سوره حود، آیه ۴۸
۱۰. سوره حدائق، آیه ۱۲۰
۱۱. سوره فرقان، آیه ۷۵
۱۲. سوره قی، آیه ۳۴
۱۳. سوره حجر، آیه ۴۶
۱۴. سوره یونس، آیه ۱۰
۱۵. سوره یونس، آیه ۲۵
۱۶. سوره فتح، آیه ۲۹
۱۷. نهج الفصاحه
۱۸. اصول کافی، ج ۲، باب تسبیح، ص ۴۳۵، ج ۱، باب تسبیح، ص ۴۴۵
۱۹. اصول کافی، ج ۲، باب تسبیح، ص ۴۴۶، ج ۱، باب تسبیح، ص ۴۴۵
۲۰. اصول کافی، ج ۲، باب تسبیح، ص ۴۴۴، ج ۱، باب تسبیح، ص ۴۴۵
۲۱. اصول کافی، ج ۲، باب تسبیح، ص ۴۴۳، ج ۱، باب تسبیح، ص ۴۴۵
۲۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۳۶
۲۳. سید محمد کاظم طباطبائی، عروه الوثقی
۲۴. امام خمینی، تحریر الوسیطه، ج ۱
۲۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۴۵، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۴۳
۲۶. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۸
۲۷. سوره نساء، آیه ۶۴
۲۸. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۴
۲۹. تفسیر درالمستور، ج ۲، ص ۱۸، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۳۵۰، دارالحدیث
۳۰. تفسیر فی ظلال، ذیل آیه ۱۸۶، سوره نساء
۳۱. اصول کافی، ج ۲، باب تسبیح، ص ۴۴۵، ج ۱، باب تسبیح، ص ۴۴۵
۳۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۶
۳۳. عروه الوثقی
۳۴. تحریر الوسیطه
۳۵. عروه الوثقی
۳۶. همان
۳۷. همان
۳۸. تحریر الوسیطه
۳۹. همان
۴۰. عروه الوثقی
۴۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۴۸، ج ۱، باب تسبیح، ص ۴۴۵
۴۲. عروه الوثقی
۴۳. ترجمه خصال شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۶۵، انتشارات خدیجه
۴۴. بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۱۰، بیروت
۴۵. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۵۳۸
۴۶. نهج الفصاحه
۴۷. همان

هم سلام دادن به کودکان است، تا پس از من
«سنت» گردد.»^(۳۲) این خصلت خجسته، از
اخلاق حسنه و روحیه پاک و تواضع حضرت
سرچشمه می گرفت. اینها درست؛ ولی ادب
اقتضا می کند که کوچکترها به بزرگترها سلام
کنند. در روایت آمده است که پیامبر
اکرم (ص) فرمود: کوچک به بزرگ سلام کند.
یک نفر به دو نفر، و جمعیت کم به جمعیت
فراوان، و سواره بر پیاده، و رهگذر، بر کسی
که ایستاده است، و ایستاده بر کسی که
نشسته است^(۳۵) البته اگر جز این باشد، نشان
تواضع نخواهد بود! در اهمیت سلام کردن
همین بس که کمال دین و زینت ایمان،
«سلام» است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «تاسه صفت در
بندهای جمع نباشد، ایمان او کامل نشود: صدقه
دادن به هنگام تنگدستی، رعایت انصاف و نو
خویشتن، و سلام بسیار کردن.»^(۳۶)
همیشه سلام کردن و تقدم در سلام،
صدقه جاریه و طلب همیشگی نعمت و
رحمت است. آن گاه که در عصر جاهلیت،
بعضی افراد در برخورد با یکدیگر شمشیر از
نیام برکشیده، از کنار هم می گذشتند،
پیامبر اکرم، رسول رحمت (ص) «سلام
کردنها» را جانشین شمشیرها ساختند و
آن قدر در این امر تأکید داشته، خود پیش قدم
بودند که بر رهروان راستینش سلام کردن را
یک فریضه الهی می دانستند. پس دریغ
است که ما به عنوان پیروان پیامبری که مهر
و محبت و دوستی را جایگزین شمشیرها
کرد، در برخی موارد با یکدیگر با
شمشیرهای مخرب و آزاردهنده تری
همچون، اخم و نخوت، بدخلقی و سوء ظن و
احیاناً حتی به طرف نگاه هم نمی کنیم،
برخورد نماییم.

سلام، تکیه کلام مسلمان و پیام رحمت
مؤمنین است. پیامبر رحمت فرمود: «سلام،
درود ملت ما و حافظ ذمه ماست؛ السلام تحیه
لملتنا و امان لذمتنا.»^(۳۷)

سلام، رحمت حق و پاداش صالحان،
صلوات و تحیت خدا و فرشتگان و مؤمنین
بر پیامبر اکرم، نبی رحمت (ص) و ختم ادای
هر نمازی است.
«السلام علیک ایها النبی و رحمة الله
و برکاته. السلام علینا و علی عبادالله

کراهت دارد که مسلمان بر شخص کافر
سلام نماید، اما اگر کافر ذمی بر مسلمان
سلام نماید، احتیاط واجب، رد سلام است به
لفظ «علیک یا سلام» بدون «علیک»^(۳۸)

در روایتی امام صادق (ع) از پندران
بزرگوارش نقل می کند که به شش گروه نباید
سلام کرد: «سنة لا یسلم علیهم: اليهودی و
المجوسی و النصرانی و الرجل علی غائظه
و علی مواند الخمر و علی الشاعر الذی
یقتذ المخصنات و علی المتفکھین سب
الأمهات»^(۳۹) به شش گروه نباید سلام کرد:
جهود، گبر، تسای، مردی که مشغول تخلیه
است یا بر سفره شراب نشسته و بر شاعری
که به زنان پاکدامن نسبت ناسزا می دهد و به
کسانی که به دشنام دادن بر مادر یکدیگر
خوشی می کنند.

البته این گونه روایات در مقام مبارزه با
فساد است، مگر این که سلام کردن به افراد
ریاخوار، فاسق، منحرف و ... وسیله ای باشد
برای آشنایی و دعوت به ترک منکر باشد که
نه تنها جایز است، بلکه مطلوب شریعت
اسلام است. البته آداب فقهی سلام کردن
بسیار زیاد است که باید به کتب مفضل
فقهی و روایی مراجعه نمود.

■ سخن آخر

سیره رفتاری اولیای الهی بر مداومت بر
این سنت پسندیده (سلام و تقدم در
سلام کردن) است، چنان که پیامبر اکرم (ص)
به هر که می رسید حتی کودکان و نوجوانان
ابتدا به او سلام می کرد، به ویژه در مورد
سلام کردن به کودکان می فرمود: «بفتح صفت
است که تا زنده ام، آنها را رها نخواهم کرد، یکی